



طراحی نظام مدیریت مبتنی بر نتایج زمینه‌ساز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

چهار فعالیت عمده در راستای تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت باید مد نظر محققین قرار گیرد. این فعالیت‌ها عبارتند از نقد و غربال دانش غربی، تبیین و بهره‌گیری از دانش اسلامی، بررسی فرهنگ و ویژگی‌های کشور...

چهار فعالیت عمده در راستای تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت باید مد نظر محققین قرار گیرد. این فعالیت‌ها عبارتند از نقد و غربال دانش غربی، تبیین و بهره‌گیری از دانش اسلامی، بررسی فرهنگ و ویژگی‌های کشور و آسیب‌شناسی وضع موجود کشور. این چهار فعالیت مرتبط با یکدیگر که الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از تعامل مستمر آن‌ها حاصل می‌شود، در شکل زیر به تصویر درآمده‌اند.

برای تحقق یک الگو به شکل عالی و الگوی اسلامی - پیشرفت به‌طور خاص یکی از مهم‌ترین عوامل و زمینه‌ها، بهره‌گیری دقیق و عالمانه از منابع مختلف اعم از منابع دانشی، انسانی و ... است. بر این اساس مدیریت مبتنی بر نتایج می‌کوشد به شکل اثربخش و کارآمدی و در یک فرآیند هوشمندانه و دقیق، از ورودی‌های سیستم به‌گونه‌ای بهره‌گیرد که مطلوب‌ترین خروجی و نتیجه برای نیل به هدف غایی یعنی تحقق یک الگوی مناسب پیشرفت حاصل آید. در اینجا تلاش گردیده تا با استفاده از روش تحقق گروه‌های کانونی و با نگاهی به برخی الگوهای مورد توافق در دانش مدیریت، الزامات دستیابی به الگوی مذکور استخراج و ارائه گردد. نگارندگان در پایان به این نتیجه می‌رسند که رویکرد مدیریت مبتنی بر نتایج بر اساس ورودی‌ها، فرآیندها، خروجی‌ها و پیامدهایی که ذکر شده، می‌تواند کمک شایانی در مسیر دستیابی به الگو فراهم سازد.

قرن گذشته میلادی شاهد تغییرات فراوانی در زندگی بشر بوده است. تحولات عظیم در حوزه‌ی سیاسی همچون جنگ‌های جهانی اول و دوم، شکل‌گیری بلوک‌های شرق و غرب و پیروزی انقلاب اسلامی ایران از جمله مهم‌ترین اتفاقات در حوزه‌ی سیاست بوده‌اند. در حوزه‌ی فناوری نیز زندگی بشر دوره‌ای متفاوت از دوره‌های قبلی را پشت سر گذاشته است. این تحولات از ساخت ابزار موردنیاز برای قدم نهادن بر کره‌ی ماه تا توسعه‌ی فناوری نانو را در بر می‌گیرد. سرعت تغییر در حوزه‌های مختلف زندگی بشری باعث گردیده است تا کشورهای مختلف به رقابت شدیدی دست بزنند و هر یک سعی کند تا گوی رقابت را از دیگری بربایند. جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله‌ی این کشورها است. امروزه تلاش‌های زیادی صورت می‌گیرد تا جایگاه علمی کشور در بین کشورهای جهان ارتقا یابد. رجوع به مراجع و منابع به‌روز غربی، تشویق به نگارش کتاب و مقاله‌ی متناسب با الگوها و سازوکارهای پذیرفته شده‌ی بین‌المللی و ... از جمله این فعالیت‌ها هستند که حتی از طریق مراجع عالی سیاست‌گذاری علمی کشور تبلیغ و ترویج می‌شوند. هدف از همه‌ی این کارها این است که بتوانیم با بهره‌گیری از علم متقن و مدلل غربی که امروزه به عنوان تنها دانش معتبر شناخته می‌شود، مسیر رقابت و پیشرفت جامعه‌ی خود را تعریف کنیم و با اجرای آن به جایگاه مطلوب خود دست پیدا کنیم. مبنای همه‌ی این نظرات این است که علم غربی بر مبنای واقعیت‌ها بنا شده است و می‌تواند با حفظ بی‌طرفی، قالب مشترکی را برای همه‌ی مناطق جهان فراهم نماید. این شیوه‌ی تفکر اغلب کسانی است که با ادبیات علمی غرب آشنا هستند. در این دیدگاه، علم، علم است؛ خواه در جمهوری اسلامی ایران پیاده شود، خواه در ایالات متحده‌ی آمریکا و خواه در رژیم اشغالگر قدس.

در ادامه این مقاله از نظر شما می‌گذرد:

رد نمودن چنین رویکردی در جامعه‌ی علمی امروزه ایران، نیازمند دانش و شناخت قوی، و توانایی استدلال‌های گسترده است که در حال حاضر از حوصله‌ی این مقاله خارج است، اما می‌توان به اختصار به چند تذکر در این حوزه اشاره نمود:

- ائمه‌ی بزرگوار شیعه علیهم‌السلام در مکان‌های مختلفی انسان‌ها را به حرکت در مسیر درست دعوت نموده‌اند. اولین دعای قرآن کریم مبنی بر هدایت به صراط مستقیم است. در جای دیگر می‌فرماید: «افمن یمشی مکبا علی وجهه اهدی ام من یمشی سویا علی صراط مستقیم1». در احادیث نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «عمل‌کننده‌ی بدون بصیرت مانند کسی است که در مسیر اشتباه حرکت می‌کند و سرعت حرکت تنها دور شدن (از مقصد) را برای او به ارمغان می‌آورد2». به عبارت دیگر، هنگامی که مسیر پیشرفت خود را انتخاب می‌کنیم، باید نهایت دقت و تلاش خود را در این راه به خرج دهیم؛

- نظام علمی غرب، نظامی به هم پیوسته و منسجم است که از مبادی جهان‌بینی، ایدئولوژیک و انسان‌شناسی خاص خود بهره می‌گیرد. استفاده از الگوها و مدل‌های غربی بدون توجه به این مبانی و اثرات آن‌ها نقش تخریبی گسترده‌ای را به دنبال دارد؛

- تأکید بر محوریت دانش غربی، امری است که امروزه در جوامع غربی هم مورد اعتراض قرار گرفته است. برخی از نظریه‌پردازان غربی مانند فایربرند تلاش نموده‌اند تا نشان دهند که دانش غربی موجود نه به دلیل صلاحیت‌های خود، بلکه به دلیل تسلط نظامی و سیاسی خود بر دیگر کشورها توانسته است خود را به عنوان تنها دانش قابل اتکا معرفی کند. چنین رویکردهایی راه را برای تغییر دیدگاه نسبت به علم باز می‌کند؛

- تفاوت‌های موجود بین ویژگی‌های جوامع مختلف، برخی از نظریه‌پردازان را واداشته است تا با تفکیک بین فرم و محتوا،

خواستار توجه به ویژگی‌های خاص هر منطقه در قالب محتوای فعالیت‌های علمی شوند. از جمله این افراد می‌توان به دراکر اشاره داشت؛

- دانش تجربی غرب مدعی است که از واقعیت‌ها نشأت می‌گیرد و از این‌رو تحت تأثیر نظریات فردی قرار نمی‌گیرد. انتقادی که توسط خود غربی‌ها بر این ادعا وارد می‌شود این است که ایجاد علم بر مبنای واقعیت‌های موجود، تنها به تثبیت وضع موجود می‌پردازد. به عبارت دیگر، علمی که امروزه در جهان تولید می‌شود، در راستای حفظ ساختارهای موجود سیاسی- اقتصادی جهان است.

با توجه به دلایل فوق باید بیان داشت که اگرچه شکی در لزوم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد، اما بهره‌گیری از الگوهای تدوین شده توسط کارشناسان غربی، در بهترین حالت منجر به تثبیت نظام سلطه خواهد شد. از سوی دیگر، حتی خود غربیان نیز معتقدند که الگوهای پیشرفت باید در قالبی بومی تعریف شوند تا امکان بهره‌گیری از آن‌ها وجود داشته باشد. با این مقدمات، لزوم طراحی الگوی اسلامی- ایرانی که متناسب با آرمان‌ها و اهداف نظام باشد، از جمله اولویت‌های فعالیت‌های حکومتی در سطح کشور است. مقاله‌ی حاضر تلاش دارد تا با بهره‌گیری از برخی الگوهای مورد توافق در دانش مدیریت که از نظر منطقی نیز قابل توجه است، به بررسی الزامات دستیابی به چنین الگویی بپردازد. برای دستیابی به این منظور، ابتدا مفهوم توسعه از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن، مدل مدیریتی مورد استفاده در متن و دلایل بهره‌گیری از آن تبیین می‌شود. بعد از این مرحله و در راستای تبیین موضوع مورد بحث، با بهره‌گیری از روش تحقیق گروه‌های کانونی، نتایج بحث‌ها در این حوزه مطرح خواهد شد.

مدیریت مبتنی بر نتیجه

مدیریت مبتنی بر نتایج یکی از رویکردهای مدیریت در کشورهای غربی است که سابقه‌ای بیش از سه دهه دارد و تلاش نموده است تا توجه همزمان به کارایی و اثربخشی را درون خود لحاظ نماید. برای این منظور، نظریه‌پردازان این روش از رویکرد سیستمی به شکل اصلاح شده الگو گرفته‌اند. در رویکرد سیستمی، سه جزء اصلی در هر سیستم شناسایی گردیده است که مدیران باید ضمن شناسایی اجزای آن‌ها، به روابط و اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر پی ببرند. این سه جزء عبارتند از ورودی، فرآیند و خروجی. که رابطه‌ی آنها بدین صورت می‌باشد. (نمودار 1)

اگرچه رویکرد سیستمی ابزارهای مناسبی را در اختیار مدیران سازمان‌ها قرار می‌دهد تا به تحلیل فعالیت‌های خود بپردازند، اما اشکالاتی نیز در دیدگاه رایج رویکرد سیستمی وجود دارد. برخی از اشکالات موجود در رویکرد سیستمی عبارتند از:

1. این رویکرد نتوانسته است بین غایت و هدف تمایز ایجاد نماید. به عنوان مثال، ممکن است هدف فردی، آموختن کامل زبان عربی باشد اما غایت او از این کار توانایی قرائت قرآن کریم باشد. این تفاوت ظریف نکته‌ای است که رویکرد سیستمی با الگوی رایج نمی‌تواند به آن توجه کند و توانایی تفکیک بین اهداف و غایات را ندارد. عدم توجه به غایات انجام کارها باعث می‌شود تا خروجی‌های کار، هدف قرار بگیرند و از علت وجودی سیستم غفلت شود؛

2. هدف، دارای اقسام و حالات گوناگونی است که برخی از آن‌ها عبارتند از: قصد3، هدف4، نیت5، مقصود6 و آماج7 که باید بین آن‌ها تمایز قائل شد. رویکرد سیستمی چنین تفصیلی را برای اهداف قائل نیست و در حالت کلی، خروجی را با هدف یکسان می‌گیرد؛ در حالی که مشخص است نوع اهداف با یکدیگر متفاوت است و هر کدام از آن‌ها در یک مرحله از کار تعریف می‌شوند. هنگامی که در رویکرد سیستمی از خروجی صحبت می‌شود، باید تعیین گردد که کدام دسته از اهداف مورد توجه قرار دارند.

با توجه به موارد فوق، مدیریت مبتنی بر نتایج تلاش می‌کند تا با دید وسیع‌تری موضوع را بررسی کند و ابعاد جدیدی را برای یک سیستم مورد شناسایی قرار دهد. این ابعاد عبارتند از: ورودی، فعالیت‌ها، خروجی، پیامد و اثرات. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) تعاریف ارائه شده در جدول صفحه قبل مفاهیم فوق را بیان نموده است.

همان‌گونه که از تعاریف هم پیدا است، تفاوت اصلی بین پیامد و اثر در این سیستم به این نکته باز می‌گردد که در پیامد، اثرات کوتاه‌مدت خروجی ایجاد شده مد نظر قرار می‌گیرد و در اثر، تأثیرات بلندمدت درست کار کردن سیستم مورد توجه قرار می‌گیرد. این تفاوت‌ها را در جدول بالای صفحه تبیین شده است می‌توان بیان نمود.

طرح بحث

با توجه به مزایای بهره‌گیری از رویکرد مبتنی بر نتیجه، این پژوهش بر آن است تا الزامات مورد نیاز برای دستیابی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را در قالب ابعاد مختلف یک سیستم مورد مطالعه قرار دهد و اثرات مختلف این اجزا را بر یکدیگر تبیین نماید.

ورودی‌ها (منابع)

تقسیم‌بندی‌های مختلف از منابع در ادبیات مدیریت و سازمان صورت گرفته است. با جمع‌بندی دسته‌بندی‌های صورت گرفته در مورد منابع مورد استفاده در سازمان‌ها، می‌توان منابع را به موارد زیر تقسیم نمود که دستیابی به یک الگوی جامع پیشرفت نیازمند توجه همزمان به همه‌ی این منابع در قالب ورودی‌های سیستم است:

- منابع انسانی: انسان‌ها، علاوه بر اینکه جزئی از چنین سیستمی به حساب می‌آیند، سیستم‌ساز نیز هستند. به عبارت دیگر، همه‌ی ابعاد مختلف سیستم بر اساس قراردادهای تعریف شده بین انسان‌ها شکل می‌گیرد و این انسان‌ها هستند که بر اساس توافق خود مفهومی به عنوان سیستم را بر مورد توجه قرار می‌دهند. منابع انسانی مورد نیاز برای سیستم تدوین الگوی اسلامی-

ایرانی پیشرفت از چندین جهت اهمیت دارند:

1. منابع انسانی جزء شکل‌دهنده به سیستم هستند؛
 2. منابع انسانی جذب شده در سیستم، در کنار یکدیگر هم‌افزایی ایجاد می‌کنند؛
 3. منابع انسانی، در پایان کار سیستم، جزئی مهم از خروجی‌های آن خواهند بود و از این‌رو طبیعی است که نقش مهمی در دستیابی به اهداف سیستم خواهند داشت.
- منابع و ورودی‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را می‌توان منابع فیزیکی و مالی، منابع دانشی، منابع انسانی و ... در نظر گرفت.

با توصیفات فوق از اهمیت منابع انسانی در شکل‌گیری سیستم تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، مشخص می‌گردد که منابع انسانی را باید در سطوح مختلفی مورد بررسی قرار داد. با الهام از ادبیات رفتار سازمانی، می‌توان منابع انسانی را در سطح فرد، گروه، سازمان، جامعه و جهان مورد تحلیل قرار داد (شکل بالا):

1. سطح فردی: هنگامی که یک فرد مورد بررسی قرار می‌گیرد، ویژگی‌های مختلفی در او مورد توجه است که از جمله آن‌ها می‌توان به شایستگی‌های فردی و معنویت او اشاره نمود. شایستگی‌های فردی در برگیرنده‌ی همه‌ی ابعاد کاری فرد مانند سطح دانش، مهارت‌ها، ویژگی‌های شخصیتی، رفتارهای اجتماعی (از قبیل عزم، همت، تلاش و دیگر موارد) و ... است که در دستیابی فرد به اهداف خود اثرگذار هستند. به این ترتیب، یکی از موضوعاتی که باید در راستای زیربناسازی برای تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت مد نظر باشد، تدوین چارچوب شایستگی‌های مورد نیاز در حوزه‌ی نیروی انسانی برای دستیابی به الگو است؛
2. سطح گروهی: هم‌افزایی نیروی انسانی از جمله مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر موفقیت در تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت خواهد بود. این هم‌افزایی از زمان پیوستن افراد به گروه‌های کاری آغاز می‌شود. از جمله حوزه‌هایی که باید به شکل جدی بر روی آن سرمایه‌گذاری نمود، رهبری گروه‌های مختلف علمی کشور است. به این ترتیب می‌توان ادعا نمود که توجه به منابع انسانی کشور در قالب گروه‌های مختلف علمی یا یک گروه علمی بزرگ، از جمله الزامات منطقی تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت می‌باشد؛

3. سطح سازمان: آنچه در سطح سازمان و سازماندهی فعالیت‌های مرتبط با تدوین الگو در سطح کشور مورد توجه قرار می‌گیرد، به سازمان نظام علمی کشور نظر دارد. ساختارهای مختلفی در نظام علمی کشور وجود دارد که منابع انسانی در آن‌ها به کار گرفته می‌شوند. از جمله این ساختارها می‌توان به مراکز سیاست‌گذاری، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمی، مراکز علمی و تحقیقاتی، مؤسسات اجرایی و دیگر مراکز اشاره نمود. بهره‌گیری مناسب از منابع انسانی کشور تنها زمانی ممکن خواهد بود که وظایف این مراکز به شکل دقیق و مشخص روشن گردد و ارتباطات بین آن‌ها تبیین شود. این امر وظیفه‌ی مهمی را بر عهده‌ی واحدهای سیاست‌گذار کشور از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار می‌دهد؛

4. سطح جامعه: مهم‌ترین موضوعی که در مورد مدیریت منابع انسانی در سطح جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد، فرهنگ عمومی جامعه است. توسعه‌ی علمی و دستیابی به الگوهای بومی دینی در جامعه زمانی امکان‌پذیر است که فرهنگ جامعه متناسب با تولید دانش بومی باشد. مدیریت فرهنگ عمومی در راستای عزت و خودباوری علمی از جمله اموری است که نقشی حیاتی در تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت دارد. همچنین تغییر نوع نگاه به علوم انسانی در سطح جامعه و بهبود وضعیت این دانش‌ها در دیدگاه عمومی، نقش مهمی در بهبود فضای این علم ایجاد خواهد نمود؛

5. سطح جهان: منابع انسانی کشور، همان‌گونه که از جامعه تأثیر می‌پذیرد، تحت تأثیر تحولات جهانی نیز قرار دارد. برنامه‌ریزی گسترده و کمی منابع انسانی و تعیین تعداد نیروی موردنیاز برای توسعه‌ی علمی کشور و برنامه‌ریزی برای حفظ این نیروها از طریق همه‌ی فعالیت‌های ممکن از جمله فعالیت‌هایی است که می‌تواند کشور را از نظر نیاز به تعداد مشخصی از کارشناسان نخبه، بیمه نماید. آمارهای موجود در مورد خروج منابع انسانی نخبه از کشور، بسیار نگران‌کننده است که نیاز به توجه بیشتری دارد.

در جمع‌بندی مباحث فوق باید بیان داشت که منابع انسانی به عنوان مهم‌ترین و اثرگذارترین بخش منابع کشور برای دستیابی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت به حساب می‌آیند و از این‌رو باید فعالیت‌های مختلفی در حوزه‌ی منابع انسانی کشور از قبیل شناسایی و توسعه‌ی شایستگی‌های مورد نیاز در منابع انسانی کشور، رهبری و هدایت منابع انسانی علمی کشور، بهره‌گیری همه‌جانبه از همه‌ی منابع انسانی علمی در سطح کشور، ایجاد ارتباطات قوی و تسهیل شده بین آنها، تعیین سیاست‌های مدیریتی منابع انسانی علمی کشور، تغییر در فرهنگ عمومی و در نظر گرفتن مباحث جهانی در حوزه‌ی منابع انسانی علمی، متناسب با دستیابی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در آن صورت پذیرد. توجه مناسب به حوزه‌ی مدیریت منابع انسانی علمی در سطح کشور و دستیابی به وضعیت مطلوب و مناسب، در راستای تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است.

- منابع دانشی: دانش به عنوان مهم‌ترین عامل مزیت‌ساز در دنیای امروز شناخته می‌شود. کشورهای توسعه‌یافته تلاش می‌کنند تا با متمرکز نمودن تولید دانش در کشورهای خود، دیگر کشورها را به پیروانی بی‌اختیار تبدیل نمایند. از سویی دیگر، دانش تولید شده در سطح جهان، مخصوصاً در حوزه‌ی علوم اجتماعی، متناسب با شرایط بومی این کشورها تولید می‌گردد. طراحی و تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، نیازمند در نظر گرفتن دانش‌های گوناگونی است. این دانش‌ها را می‌توان در مجموعه‌ی زیر دسته‌بندی نمود:

1. دانش روز جهان: اگرچه بخش‌های مختلفی از دانش روز غربی‌ها به دلایل مختلفی برای به‌کارگیری در طراحی الگوی اسلامی-

ایرانی پیشرفت دارای اشکالات گوناگون می‌باشد، اما این امر به معنای نفی مطلق آن‌ها نیست؛ بلکه نیاز به غربال نمودن آن‌ها را به مسلمین خاطرنشان می‌کند. از این‌رو بررسی نظریات متفکران غربی در حوزه‌ی پیشرفت از جمله دانش‌هایی است که مسلمانان باید به آن‌ها دست پیدا نمایند؛

2. منابع دینی: هنگامی که از الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت صحبت می‌شود، برای همگان روشن است که برای دستیابی به الگوی اسلامی، منابع دینی باید مورد بررسی قرار گیرند. این بررسی‌ها باید به صورتی جامع صورت پذیرد و افرادی که قصد فعالیت در حوزه‌ی تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را دارند باید به خوبی با متون دست اول دینی و نظریات گرانبار حوزوی آشنا گردند. این امر نیازمند همکاری گسترده‌ی حوزه و دانشگاه با همدیگر است و دانش نظریه‌پردازان حوزه‌های مختلف حوزه و دانشگاه باید به یکدیگر نزدیک شود؛

3. اطلاعات عملیاتی وضع موجود: یکی از الزاماتی که در مورد الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت وجود دارد، داشتن قابلیت عملیاتی است. این قابلیت عملیاتی، از میزان آشنایی طراحان الگو با واقعیت‌های ایران ناشی می‌شود. این اطلاعات در مورد داشته‌ها، سابقه‌ی علمی و فرهنگی، توانمندی‌های مادی، وضعیت نیروی انسانی و ... است؛

4. با توجه به موارد فوق، یکی دیگر از الزامات دستیابی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، مدیریت صحیح بر ارائه‌ی دانش و اطلاعات در حوزه‌های دانش روز غربی، منابع دینی و اطلاعات مربوط به حوزه‌های مختلف کشور می‌باشد.

- منابع فیزیکی و مالی (از قبیل تأسیسات، تجهیزات و ...): همانند دیگر فعالیت‌هایی که در حوزه‌ی علم صورت می‌پذیرد، نیاز به امکانات فیزیکی و مالی از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که بر عملکرد محققین اثرگذار می‌باشد. اگرچه هنوز بودجه‌ای که در امر پژوهش کشور مصرف می‌شود نسبت به بودجه‌ی دولت رقم پایینی است، اما همین بودجه و امکانات فعلی نیز می‌تواند به خوبی در راستای تدوین الگو به کار گرفته شود. به هر حال، عدم تخصیص بودجه و امکانات مناسب، موجب ابرتر ماندن فعالیت و عدم رسیدن آن به هدف مطلوب خواهد شد.

دستیابی به یک الگوی جامع پیشرفت نیازمند توجه همزمان به همه‌ی این منابع در قالب ورودی‌های سیستم است. همان‌گونه که در توضیح این موارد بیان گردید، ایجاد چنین ورودی‌هایی خود نیازمند فعالیت‌های گسترده و برنامه‌ریزی‌های متفاوت است. عدم توجه به برخی از این منابع مانند معنویت نیروی انسانی، یا ساده‌انگاری درباره برخی دیگر از آن‌ها مانند دانش غربی باعث خواهد شد تا استفاده از دیگر منابع اثربخشی کافی نداشته باشد.

فرآیند (فعالیت‌ها)

چهار فعالیت عمده در راستای تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت باید مد نظر محققین قرار گیرد. این فعالیت‌ها عبارتند از نقد و غربال دانش غربی، تبیین و بهره‌گیری از دانش اسلامی، بررسی فرهنگ و ویژگی‌های کشور و آسیب‌شناسی وضع موجود کشور. این چهار فعالیت مرتبط با یکدیگر که الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از تعامل مستمر آن‌ها حاصل می‌شود، در شکل زیر به تصویر درآمده‌اند.

- نقد و غربال دانش غربی: دانش غربی امروزه به حوزه‌ی رسمی و مورد اتفاق دانش در بین کشورهای مختلف تبدیل شده است. خود غربی‌ها این امر را به دلیل منطقی بودن و علمی بودن دانش تولید شده توسط خود معرفی می‌کنند، ولی برخی از منتقدین معتقدند که دلیل اصلی غلبه‌ی دانش غربی بر دیگر دانش‌ها، استیلای این کشورها بر کشورهای دیگر است. یکی از مهم‌ترین فرآیندهایی که باید در راستای تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت صورت پذیرد، نقد و غربال نمودن ادبیات توسعه و پیشرفت در غرب است. انجام چنین کاری در صورتی ممکن است که دانشمندان ایرانی در حوزه‌های مختلف کاملاً بر روی ادبیات غربی مسلط شوند و ابعاد مختلف آن را بشناسند. پس از این امر می‌توان در مورد درست یا اشتباه بودن تجویزهای ناشی از این نظریه‌ها صحبت نمود. نقد ادبیات غربی فواید مختلفی را برای تدوین الگو در بر دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

1. امکان بهره‌برداری از نتایج مفید غربی‌ها را در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت فراهم می‌سازد؛
2. نقاط ضعف و گلوگاه‌های مشکل‌ساز این نظریات را روشن می‌سازد و حوزه‌هایی که پژوهشگران باید ضمن تحقیق در آن‌ها، به نتایج جدید برسند را مشخص می‌کند.

- تبیین و بهره‌گیری از دانش اسلامی: ایجاد یک الگوی اسلامی، نیازمند غور در مبانی اسلامی است. این غور نباید صرفاً به مطالب موجود محدود شود، بلکه باید تلاش‌های گسترده‌ای برای تبیین دقیق مبانی دینی و راهکارهای ارائه شده در دین برای حوزه‌های مختلف صورت پذیرد. این تبیین‌ها، در راستای ایجاد علم اسلامی صورت می‌پذیرد و دانش تولید شده باید توانایی وارد شدن به حوزه‌ی عملیاتی را داشته باشد.

- بررسی فرهنگ و ویژگی‌های کشور: برای طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت قطعاً نیازمند توجه به فرهنگ و ارزش‌های برگرفته از کشور ایران هستیم. در واقع در این بخش می‌بایست محققان به ویژگی‌ها و فرهنگ کشور توجه نموده و آن‌ها را استخراج نمایند تا بتوانند الگوی پیشرفت کشور را بر اساس و متناسب با آن‌ها طراحی نمایند.

- تحلیل وضع موجود کشور: پیشرفت در تعبیر ساده‌ی آن، از شناسایی فاصله وضع موجود تا وضع مطلوب و تلاش برای دستیابی به آن ناشی می‌شود. اجرای فرآیندهای مختلف آسیب‌شناسی در سطح کشور می‌تواند سه مزیت مهم را در فرآیند تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت ایجاد کند:

1. آسیب‌شناسی نقاط ضعف و حوزه‌های کلیدی تصمیم‌گیری؛
2. شناسایی توانمندی‌های مختلف کشور نیز از نتایج مهم آسیب‌شناسی‌ها است؛

3. فرآیند آسیب‌شناسی متضمن بررسی عملکرد دیگر کشورها در حوزه‌های مختلف است که منجر به شناسایی راهکارهای مختلف و ایجاد فرصت نقد یا پذیرش آن‌ها می‌شود و دانش عظیمی از فعالیت‌های کاربردی را برای کشور به ارمغان می‌آورد. با توجه به جمیع موارد فوق، چرخه‌ی تولید الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، متضمن در نظر گرفتن آگاهانه و با بصیرت دانش غربی، مبانی دینی و وضع موجود فعالیت‌های مختلف در کشور است (در بالا چهار فعالیت ذکر شده است). در صورتی که فرآیندهای فوق‌الذکر به درستی صورت پذیرند، می‌توان انتظار داشت که به مرور زمان، دانش‌های جدیدی مبتنی بر فعالیت‌های فوق شکل بگیرند.

خروجی‌ها

در صورتی که ورودی‌ها و منابع اشاره شده در بخش اول فراهم بوده و فرآیندهای ذکر شده نیز به خوبی پیاده‌سازی گردند می‌توان خروجی‌های زیر را برای الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت متصور دانست.

- نظام نوین علمی کشور متناسب با الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت: در صورتی که منابع مورد نیاز برای طراحی الگو به خوبی فراهم گردیده و فرآیندهای متصور شده به خوبی اجرا گردند در این صورت می‌توان امید داشت تا یک نظام نوین علمی در کشور ایجاد گردد که بتواند به خوبی منابع انسانی و منابع دانشی، فیزیکی و مادی موجود در طراحی الگو را به کار گرفته و الگوی مطلوب را طراحی نماید؛

- نظام جامع منابع انسانی متناسب با الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت: بی‌شک مؤلفه‌ی اصلی در دستیابی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، منابع انسانی است که اهمیت آن در ادبیات معاصر علم مدیریت روز به روز افزایش یافته و دانشمندان مختلف از آن به عنوان تنها عامل ایجادکننده‌ی مزیت رقابتی یاد می‌کنند. در صورتی که کشور بخواهد برای همیشه در مسیر پیشرفت ادامه مسیر بدهد ناگزیر به طراحی یک نظام مدیریت جامع منابع انسانی است تا در آن بتواند نیروهای مناسب و تأثیر گذار در این مسیر را شناسایی، آن‌ها را رشد و توسعه داده و بسترها و امکانات مورد نیاز برای حفظ و نگهداشت آنان را فراهم سازد؛

- فرهنگ متناسب با الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت: در صورت هم افزایی بهینه‌ی ورودی‌ها (منابع) و فرایندهای ذکر شده در بخش‌های پیشین می‌توان این خروجی را متصور شد که فرهنگ متناسب با الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت به وجود آید. شاید بتوان مؤلفه‌ی اصلی این فرهنگ را اعتماد به نفس و عزت مداری و اعتقاد راسخ به جامعیت منابع دینی و بومی در دستیابی به الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت دانست، فرهنگی که وجود آن مشوق و انگیزاننده‌ی دانشگاہیان و حوزویان کشور در دستیابی به الگوی مد نظر خواهد بود.

پیامدها

در صورتی که ترکیب ورودی‌ها، فرایندها و خروجی‌های ذکر شده متناسب باشد، می‌توان پیامدهای زیر را برای این الگو متصور گردید:

- تولید علم دینی و بومی متناسب با الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت: در صورت وجود منابع ذکر شده و همچنین طی فرآیندهای ذکر گردیده (به ویژه واکاوی منابع دینی و بومی) و حصول خروجی‌ها می‌توان به تولید علم دینی و بومی مورد نیاز در طراحی و اجرای الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت امیدوار شد؛

- قرار گرفتن در مسیر پیشرفت: با ایجاد ترکیب هم‌افزایی ورودی‌ها، فرآیندها و همچنین خروجی‌ها می‌توان به این نکته امیدوار گردید که کشور در مسیر صحیح پیشرفت بر مبنای ارزش‌های دینی و بومی قرار گرفته و از استیلای فرهنگی و علمی غرب رهایی و نجات یابد و الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت طرح‌ریزی شده و در دستیابی به اهداف کلان کشور موثر واقع شود.

تأثیرات

تفاوت تأثیر و پیامد در این نکته است که پیامدها به کوتاه‌مدت و میان‌مدت اشاره داشته و نتایج کوتاه‌مدتی و میان‌مدتی را در بر می‌گیرند؛ در حالی که تأثیرها به بلندمدت اشاره داشته و نتایج بلندمدتی را شامل می‌شوند.

با توجه به موارد ذکر شده، در صورت تعهد به پیاده‌سازی مدل فوق، پیش‌بینی می‌شود که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شکل گرفته و همزمان وارد مرحله‌ی اجرا شود؛ امری که منجر به طی مراحل مختلف پیشرفت اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری شده و زمینه‌ساز حکومت جهانی اسلام خواهد بود.

در واقع در قسمت «تأثیرات» خروجی مشخص کار، طراحی و اجرای الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت خواهد بود. نگاره ذیل زنجیر و نتایج نظام طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را به تصویر می‌کشد. (شکل پایین)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مقاله‌ی حاضر، تلاشی در راستای تبیین الزامات مورد نیاز برای دستیابی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت بود. مهم‌ترین نکاتی که در این مقاله به آن‌ها اشاره شد، عبارتند از:

- دانش غربی تولید شده برای توسعه‌ی کشورهای اسلامی و کشورهای در حال توسعه، بنا بر آموزه‌های دینی ما و اعترافات متعدد غربی‌ها، از کارآمدی لازم برای رساندن کشور به جایگاه مطلوب آن برخوردار نیست و در بهترین حالت کشور را به یکی از اجزای تابع نظام سلطه‌ی جهانی تبدیل می‌نماید؛

- الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی، به عنوان یک الگوی بومی، تنها راه حل پیش‌رو برای دستیابی به پیشرفت در کشور ماست؛ - الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی یک مدل نظری نیست، بلکه به عمل توجه دارد. به عبارت دیگر، آنچه به عنوان الگوی اسلامی-

ایرانی پیشرفت شناخته می‌شود، در عمل تجلی پیدا می‌کند و خود اثر نهایی ناشی از فعالیت‌ها و خروجی‌های مختلف است. الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت الگویی است که در اثر تعاملات داخلی علمی و توسعه‌ی علوم مختلف در کشور حاصل می‌شود؛ - برای دستیابی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، مدیریت مبتنی بر نتایج می‌تواند کمک قابل توجهی ارائه نماید. با بهره‌گیری از این مدل می‌توان ادعا نمود که الگو، مرحله‌ی نهایی و غایی سیستم است و لازم است اجزای دیگر سیستم تحقق پیدا کنند تا این الگو به وجود آید؛ - در این مقاله، اجزای سیستم در قالب ورودی‌ها و منابع، فعالیت‌ها، خروجی‌ها و پیامدها مورد بحث قرار گرفتند و با بهره‌گیری از دیدگاه مبتنی بر منابع تلاش شد حداکثر بحث ممکن بر روی منابع مورد نیاز صورت گیرد تا بقیه‌ی مراحل از پشته‌ی کافی برخوردار باشند؛ - در صورت تحقق خروجی‌ها و پیامدهای مدل، می‌توان انتظار داشت در یک بازه‌ی زمانی بلندمدت، الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت هویدا شود و مسیر حرکت جامعه را روشن کند.

پی‌نوشت

دکتر مسلم باقری، عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز، محمدمهدی علیشیری دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه تهران (پردیس قم)، سیامک طهماسبی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق(ع).

1. ملک، آیه‌ی 22

2. کلینی، 44: 1365

3. aim

4. goal

5. intent

6. purpose

7. target

8. input

9. activity

10. Outputs

11. Outcome

12. Impacts

*منبع: فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدا، شماره 10.